

بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز ۱۳۸۶

ملیحه خلوتی*

چکیده: توانمندسازی زنان فرایندی پویاست که توانایی زنان برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آنها را در موقعیت فرودستی نگه داشته است، در بر می‌گیرد. این فرایند به زنان برای دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند و موجب احساس استقلال و عزت به نفس بیشتری در آنها می‌شود. هدف پژوهش تعیین میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز بود. الگوی نظری مورد استفاده در این پژوهش را آلسوپ و هینسون طرح ریزی کردند و مورد تأیید بانک جهانی است. پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است؛ برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه و مصاحبه شخصی استفاده شد. سؤالات و فرضیه‌های پژوهش با هدف اندازه‌گیری متغیرها تدوین شدند، به گونه‌ای که هشت متغیر مستقل (سرمایه انسانی، اطلاعاتی، سازمانی، مادی و رفاهی، روانی، دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه‌های دولت، بازار و جامعه) و متغیر وابسته (میزان توانمندی) و رابطه آنها را با یکدیگر براساس آنها مورد سنجش قرار گرفت. جامعه آماری ۲۲۹ نفر از زنان خانه‌دار ساکن شهر شیراز بودند که در زمان اجرای پژوهش فرزندشان در یکی از مدارس مناطق چهارگانه آموزش و پرورش مشغول به تحصیل بود. نمونه‌گیری طی دو مرحله انجام شد. در مرحله اول به انتخاب مدارس با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، پرداخته شد و در مرحله دوم با مراجعه به مدارس، مادرانی که در بهمن و اسفندماه ۱۳۸۵ در دسترس بودند با روش نمونه‌گیری انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی اسپیرمن و تحلیل رگرسیون چند متغیره روش گام به گام استفاده شد.

نتایج توصیفی نشان داد که میزان توانمندی زنان خانه‌دار پایین است. آزمون فرضیه‌های بیانگر این بود که بین سرمایه روانی، دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه دولت و جامعه با میزان توانمندی زنان خانه‌دار بیشترین همبستگی وجود دارد ($P < 0/01$).

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز بیانگر این بود که بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده، ۸۸ درصد تغییرات متغیر وابسته، یعنی میزان توانمندی زنان خانه‌دار را هشت متغیر وارد شده در معادله تبیین می‌کنند. در واقع عواملی مانند عزت نفس، خودکارآمدی، توانایی بیان آرزوها و علائق و جامعه عمل پوشاندن به آنها حتی زمانی که عرف و جامعه آن را نمی‌پذیرد و به چالش طلبیدن شرایط موجود، آگاهی از عوامل ناتوانی و مقابله با آنها به صورت گروهی، توانایی تصمیم‌گیری در حوزه‌های مهم و راهبردی زندگی، دسترسی به منابع مالی،

مشارکت در حوزه های اجتماعی و سیاسی، تعیین کننده های اصلی میزان توانمندی زنان خانه دار در ایران هستند.

کلید واژه ها: توانمندسازی، زنان خانه دار، شرایط اجتماعی، عاملیت، منابع قدرت، میزان توانمندی

مقدمه

توسعه پایدار را توسعه ای انسان محور تعریف کرده اند که موجب بیشترین تغییر مثبت و ماندگار در افراد جامعه می شود. فراگیری این تغییرات در همه قشرهای اجتماعی و درگیر کردن تمامی افراد و گروه ها در فرآیند توسعه، مهم ترین وجه تمایز توسعه پایدار از تعریف های پیشین به شمار می رود. با این وصف، زنان به عنوان نیمی از جامعه بشری که تا سده های اخیر معمولاً نه موضوع تحول و تغییر بوده اند و نه منشأ تغییر، در توسعه پایدار نقشی محوری به عهده دارند. در واقع شرط تحقق توسعه پایدار حضور و مشارکت واقعی و فعال زنان در فرآیند توسعه است. اما بی تردید حضور و مشارکت واقعی زنان در گرو توانمندی آنهاست. به عبارتی توانمندسازی زنان مقدمه لازم برای حضور آنها در جریان توسعه است.

توانمندسازی زنان از حدود ۲۵ سال پیش در کشورهای مختلف مطرح شد و طی آن سازمان ها، جنبش ها، شبکه ها و اتحادیه های زنان در سراسر جهان به وجود آمد و دیدگاه های سیاست گذاران به این سمت متمایل شد (امیدی و همکاران، ۱۳۸۳). توانمندسازی اصطلاحی است برای توصیف هموار کردن راه خود یا دیگران به سمت تلاش هایی که دستیابی به اهداف شخصی را امکان پذیر می سازند. بنابر تعریف فمینیست ها، توانمندسازی یعنی کشاندن کسانی که بیرون از حوزه های تصمیم گیری هستند به درون این حوزه ها؛ و تأکید آن بر تدارک امکاناتی است برای دستیابی این گروه به ساختارهای سیاسی و تصمیم گیری های رسمی و همچنین دستیابی به بازار و درآمدهایی که توانایی مشارکت در تصمیم گیری های اقتصادی را فراهم سازد. توانمندسازی فرایندی است که طی آن زنان توانایی شکل و سازمان دهی خود را پیدا می کنند تا بتوانند اعتماد به نفس خویش را افزایش دهند، حق انتخاب آزادانه و مستقل را برای خود طلب کنند و منابعی را که به مبارزه با فرودستی ایشان و محو این فرودستی مدد می رسانند، تحت کنترل بگیرند. توانمندسازی به معنی قدرتمند شدن برای رسیدن به هدف است و نه اعمال قدرت بر دیگران (آبوت و والاس، ۱۳۸۰).

با این مفهوم شناسایی منابع موجود و در دسترس زنان و کمبود و کاستی های آن به توانمندی سریع تر آنها و کاربرد آن در حوزه های تجلی قدرت کمک خواهد کرد.

بیان مسئله

همزمان با مشخص شدن نقش مهم زنان در توسعه، مشکلات آنان نیز مورد توجه قرار گرفت. از دهه ۵۰ میلادی به بعد مداخلات گوناگونی طرح ریزی شد که نشان دهنده ایجاد تغییر در سطح کلان اقتصادی و سیاست گذاریهای اجتماعی در خصوص زنان بود. روش های معمول سیاست گذاریهای توسعه ای در جهان سوم درباره زنان از سیاست گذاریهای راهبردی مبتنی بر احتیاجات اولیه که با توزیع مجدد منابع رابطه دارد شروع شد و به سیاستهای اخیر که بیشتر جبرانی و مربوط به سیاست گذاری انطباق ساختاری اند، منجر شد (دفتر امور ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل، ۱۳۷۲).

در حالی که دلایل ناتوانی (یا توانایی) زنان، زیاد و متنوع است، در نظر گرفتن آنها به عنوان یک زن، به خودی خود شامل توجه به این مسئله می شود که همه آنها در نتیجه "هنجارها، باورها، فرهنگ ها و ارزش هایی که زنان و مردان جوامع را از هم تفکیک می کنند" محدود شده اند (کبیر^۱، ۲۰۰۰: ۱۳۵). مواردی که ناتوانی زنان را نشان می دهند، با توجه به فرهنگ و در طول زمان متفاوت است. ناتوانی تقریباً در همه زمینه ها، مانند خشونت خانگی، تصمیم گیری مردسالارانه و دستیابی کمتر زنان به دارایی هایی از همه نوع (اقتصادی، اجتماعی، انسانی، روانی و...) دیده می شود.

آمارهای جهانی تصویری بسیار منفی و ناراحت کننده از وضعیت زنان نشان می دهند. طبق گزارش سازمان ملل متحد، تعداد بسیاری از صد میلیون جمعیت آواره و بی مسکن دنیا را زنان تشکیل می دهند. ۷۰ درصد از ۱/۳ میلیارد نفر جمعیت کره زمین که زیر خط فقر زندگی می کنند، زنان و دختران هستند (پورگیو، ۱۳۸۰). بر مبنای آمارهای به دست آمده از سازمان ملل متحد، زنان یک دوم کل جمعیت جهان، دو سوم ساعات کار انجام شده و یک سوم ساعات کار ثبت شده، یک دهم در آمد جهانی و یک صدم مالکیت ثبت شده اموال و دارایی ها را به خود اختصاص داده اند (عربی، ۱۳۸۱). سواد و تحصیلات از حقوق اولیه بشر است، اما هنوز بسیاری از دختران و زنان از آن محرومند و دو سوم از ۸۷۵ میلیون نفر بیسواد بزرگسال جهان، زن هستند (بالان، ۱۳۸۳) و از نظر اشتغال، درآمد و مقام اجتماعی در پایین ترین سطح متمرکزند (دفتر امور ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل، ۱۳۷۲). در ایران حدود ۵۸/۴٪ از جمعیت زنان، خانه دار هستند، افرادی که نه منبع درآمد دارند و نه شأن و مقام

اجتماعی (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳). از زن خانه‌دار ایرانی انتظار می‌رود بین دنیای مدرن، عقلایی و برنامه‌ریزی شده و رسمی، و دنیای سنتی، غیرمترقبه و حساب نشده هماهنگی ایجاد کند، مشاور، یاری‌دهنده و پرستار کودکش باشد و آبرو و آرامش خانه را حفظ کند، اما در انجام دادن همه این امور تقریباً تنهاست. همه وظایف و نقش‌های گوناگونی که بر دوش زن خانه‌دار سنگینی می‌کند، نشان دهنده سهم عظیمی است که در فرایند توسعه بر عهده دارند (به نقل از مطیع، ۱۳۷۶: ۳۴).

اما یک زن توانمند، ارزش مدت زمانی را که صرف کارهای خانه و بیرون می‌کند می‌داند. او می‌داند که کار زیاد برای شرایط بدنی و روحی‌اش مضر است و سلامتی برای هر انسانی ضروری است. توانایی این را دارد که مسئولیت دو برابرش را زیر سؤال ببرد و به دنبال کمک خواستن از دیگران است تا وقت آزاد کافی برای یادگیری و مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی جامعه داشته باشد. او می‌داند که توانایی زیادی برای مشارکت در پیشرفت خانواده، جامعه و ملتش دارد. با این آگاهی، ارزش خودش را باور دارد و از ذهن باز و توانایی برخوردار است (موسدل^۱، ۲۰۰۳: ۱۴).

با توجه به اهمیت و تأثیرتوانمندی زنان در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی آنها و از آنجایی که بیش از نیمی از جمعیت زنان کشور، خانه دار هستند، شناسایی میزان توانمندی زنان خانه دار و عوامل تأثیرگذار بر آن برای سیاستگذاری‌های ملی و بین‌المللی امری بسیار با اهمیت است. بنابراین پژوهش حاضر با این پرسش آغاز می‌شود که وضعیت توانمندی زنان خانه دار در شهر شیراز چگونه است و چه عواملی بر آن تأثیر دارد؟

پیشینه پژوهش

توانمندسازی زنان فرایندی پویاست که توانایی زنان برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آنها را در موقعیت فرودستی (وابستگی) نگه داشته است، در بر می‌گیرد. این فرایند به زنان برای دستیابی بیشتر به منابع و کنترل بر زندگی کمک می‌کند، موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر آنها می‌شود و عزت نفس آنها را افزایش می‌دهد، یعنی موجب بهبود تصویری می‌شود که زنان از خودشان دارند (اوگومبه^۲، ۲۰۰۱: ۱۳).

-
1. Mosedale
 2. Ugumbah

نایلا کبیر (۲۰۰۰) معتقد است که توانمندسازی به پیشرفت توانایی افراد در اتخاذ تصمیمات راهبردی زندگی اطلاق می شود، در حالی که همین افراد در گذشته از داشتن این توانایی محروم بوده اند.

یکی از راه‌های فکر کردن به مفهوم قدرت، «توانایی تصمیم‌گیری» است: بنابراین توانمند نبودن، بیانگر انکار انتخاب است. برداشت کبیر از باور توانمندسازی این است که مفهوم یاد شده رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر با شرایط توانمند نشدن دارد و به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن، کسانی که توانایی تصمیم‌گیری شان انکار شده است، بتوانند این توانایی را کسب کنند. به عبارت دیگر، توانمندسازی در برگزیده‌ی فرایند تغییر است. اما باور به حق «انتخاب» برای اینکه به تجزیه و تحلیل توانایی نسبت داده شود، باید از چندین جنبه کیفیت گذاری شود. اول از همه اینکه «انتخاب ضرورتاً بیانگر فرعیات است» و بر عکس آن، توانایی تصمیم‌گیری است. بین فقر و توانمند نشدن ارتباط منطقی وجود دارد، چرا که ناکافی بودن ابزارهای دستیابی به نیازهای اصلی غالباً، توانایی تمرین برای انتخاب‌های با معنی را نفی می‌کند (کبیر، ۲۰۰۰: ۲).

سرلیاتا باتلیوالا^۱، توانمندی زنان را به این صورت تعریف می‌کند: توانایی زنان برای به دست آوردن آگاهی و کنترل کردن نیروهای شخصی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف اقدام برای بهبود زندگی شان. توانمندسازی شامل طیفی از فعالیت‌هاست و از ابراز وجود تا مقاومت جمعی، اعتراض و تجمعاتی که روابط قدرت را به چالش می‌طلبند در بر می‌گیرد (منون^۲، ۲۰۰۳: ۲۰).

توانمندسازی فرایندی است که عوامل حاشیه‌نشین شدن زنان را تغییر می‌دهد. باتلیوالا نشان می‌دهد که توانمندسازی نتیجه لازم قدرت اقتصادی نیست. (زنان ثروتمند نیز از سوء استفاده‌های خانگی و تجاوز رنج می‌برند). فرایند توانمندسازی ابتدا شامل آشنا شدن زنان با ایدئولوژی‌هایی است که حکم‌فرمایی مرد را قانونی و تعدی آنها را همیشگی می‌کنند. باتلیوالا معتقد است که زنان، خود نیز در ستم به خویش نقش دارند و بنابراین عوامل تغییر خارجی که ممکن است شکل‌های متفاوتی داشته باشند، برای توانمندسازی ضروری می‌شوند. زنان نیازمند دستیابی به عقاید و اطلاعات جدیدی هستند که نه تنها آگاهی و تصویر آنها از خودشان را تغییر می‌دهد، بلکه آنها را به اقدام کردن نیز تشویق می‌کند. در نتیجه باتلیوالا توانمندسازی را

1. Srilatha Batliwala

2. Menon

این گونه به تصویر می کشد: «آگاهی پیچ در پیچ و در حال تغییری که زمینه های تحول را برای زنان فراهم می کند تا راهبردها را طرح ریزی کرده، برای تغییر اقدام می کنند، و به تحلیل فعالیت ها و نتایج بپردازند» (باتیلولا، ۱۹۹۴: ۱۳۱).

کلر^۱ و ام بی وو^۲ (۱۹۹۱) توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف می کنند که زنان طی آن برای سازماندهی خودشان توانمند می شوند، اعتماد به نفس خود را افزایش می دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابعی که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی آنها می شود؛ دفاع می کنند.

از نظر نلی استرام کویست^۳، توانمندسازی مفهومی اجتماعی- سیاسی است که باید شامل اجزای شناختی، روانی، اقتصادی و سیاسی باشد. جزء شناختی مربوط به فهم زنان از علت های فرمانبرداری شان است. این جزء در برگیرنده «شناختن خود و احساس نیاز به گرفتن تصمیم هایی است که ممکن است بر خلاف انتظاراتهای فرهنگی و اجتماعی باشند»، آگاهی درباره حقوق قانونی و تمایلات جنسی (فرا تر از روش های تنظیم خانواده) نیز به همین جزء مربوط می شود. جزء روانی در برگیرنده باور زنان به این واقعیت است که می توانند در سطح های شخصی و اجتماعی برای بهبود بخشیدن به شرایطشان کار کنند. همچنین رهایی از «درماندگی اکتسابی» و توسعه عزت نفس و اعتماد به نفس را شامل می شود. در مورد جزء اقتصادی، استرام کویست بیان می کند که، اگرچه کار بیرون از خانه غالباً مسؤولیتی مضاعف به نظر می رسد، دستیابی به چنین کاری استقلال اقتصادی و بنابراین استقلال کلی را افزایش می دهد. جزء سیاسی شامل توانایی تصور کردن موقعیت فردی و بسیج شدن برای تغییر اجتماعی است. «اقدام گروهی با هدف دستیابی به دگرگونی اجتماعی، مؤلفه اساسی جزء سیاسی است» (استرام کویست، ۱۹۹۵: ۱۵).

اندازه گیری میزان توانمندی

طبق تعریف بانک جهانی، توانمند سازی عبارت است از بالا بردن توانایی افراد و گروه ها برای تصمیم گیری و انتقال این تصمیمات به فعالیت ها و نتایج دلخواه. اگر شخص یا گروهی توانمند شده باشد، توانایی تصمیم گیری مؤثر را دارد، به این معنی که

1. Keller
2. Mbweve
3. Nelly Stromquist

تصمیماتش را به فعالیت‌ها و نتایج دلخواه انتقال می‌دهد. تیم توانمندسازی بانک جهانی اظهار کرده است که میزان توانمندسازی قابل اندازه‌گیری است. شکل ۱ نشان می‌دهد که توانایی تصمیم‌گیری مؤثر ابتدا تحت تأثیر دو عامل قرار می‌گیرد: عاملیت^۱ و شرایط اجتماعی^۲. عاملیت، توانایی کنشگر برای گرفتن تصمیمات با معنادار تعریف شده است؛ به این معنی که کنشگر برای مواجهه با گزینه‌های مختلف و گرفتن تصمیم، توانمند است. شرایط اجتماعی، زمینه‌های رسمی و غیررسمی که کنشگر در آن فعالیت می‌کند تعریف شده است. این عوامل وقتی با هم به کار بیفتند، میزان توانمندسازی را افزایش می‌دهند (السوپ و هینسون^۳، ۲۰۰۵: ۶).



شکل ۱: میزان توانمندی

عاملیت

عاملیت- توانایی گرفتن تصمیم معنی دار- چگونه اندازه‌گیری می‌شود؟ در مطالعات گوناگون، کیفیت طبیعی سرمایه‌ها به عنوان شاخصهای عاملیت به کار برده شده است. این سرمایه‌ها می‌توانند روان‌شناختی، اطلاعاتی، سازمانی، مادی، اجتماعی، مالی یا انسانی باشند. شاخصهایی که از مطالعات متعدد به دست آمده اند نشان می‌دهند که تعیین کمیته همه انواع سرمایه‌ها امکان پذیر است. شناختن تعامل پیچیده میان سرمایه‌ها، چالش‌های زیادی در بردارد. اما میزان متفاوت سرمایه‌های مختلف به ظرفیت کنشگر برای گرفتن تصمیم‌های معنی‌دار کمک می‌کند. بنابراین عاملیت با منابع قدرت ارتباط دارد (همان منبع، ۵).

شرایط اجتماعی

شرایط اجتماعی کنشگر را حضور و عمل نهادهای رسمی و غیررسمی و قواعدبازی شکل می‌دهد.

1. Agency
2. Opportunity structure
3. Alsop & Heinsohn

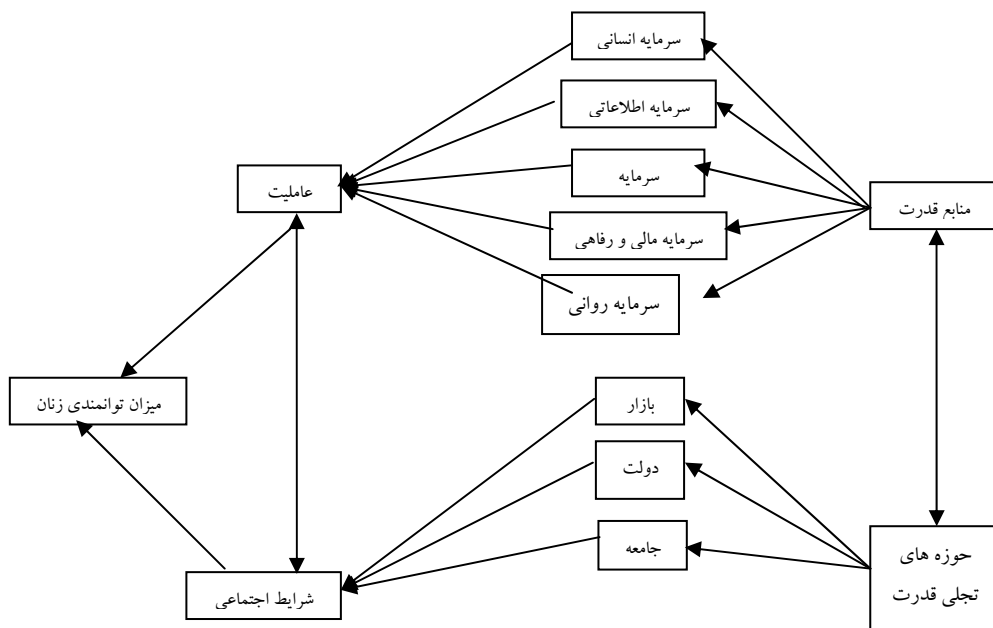
این موارد شامل قوانین، چهارچوبهای تنظیم شده و هنجارهای دولتی تأثیرگذار بر رفتار مردم است. حضور و نحوه عملی کردن قوانین، آیین نامه ها، هنجارها و سنتها تعیین می کند که آیا افراد و گروهها به سرمایه ها دسترسی دارند، و آیا این افراد می توانند این سرمایه ها را برای دستیابی به نتایج دلخواه به کار ببرند. اندازه گیری شرایط اجتماعی شامل تحلیل حضور و عمل نهادهای رسمی و غیررسمی می شود. در واقع شرایط اجتماعی حوزه های تجلی قدرت است که السوپ و هینسون (۲۰۰۵) به صورت زیر آن را تقسیم بندی کرده اند:

۱. دولت، که در آن شخص یک کنشگر مدنی است. ۲. بازار، که در آن شخص یک کنشگر اقتصادی است. ۳. جامعه، که در آن شخص یک کنشگر اجتماعی است. سه حوزه فوق به هشت زیر حوزه تقسیم شده است:

- حوزه دولت شامل زیر حوزه های عدالت، سیاستها و خدمات رسانی است.
- حوزه بازار شامل زیر حوزه های اعتبار (پول)، کار و کالاها (هم در تولید و هم در مصرف) است.
- حوزه جامعه دربرگیرنده زیر حوزه های خانواده و محله است. این موارد به فرصتهایی برای کندوکاو در روابط خانواده و محله مربوط هستند (همان منبع، ۹).

الگوی نظری پژوهش

الگوی نظری پژوهش با توجه به تعریف السوپ و هینسون و تعریف بانک جهانی از توانمند سازی و قدرت تدوین شده است، به این معنی که الگوی نظری طراحی شده شامل دو گزینه تأثیرگذار بر تصمیم گیری با عنوان عاملیت و شرایط اجتماعی است؛ همچنین عاملیت به عنوان منابع بالقوه قدرت، و شرایط اجتماعی به عنوان حوزه های تجلی قدرت در نظر گرفته شده اند.



شکل ۲: مدل نظری پژوهش

نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی است، به طوری که پژوهشگر در مقطع زمانی خاصی نه تنها به توصیف متغیرها پرداخت، بلکه روابط بین آنها را نیز مطالعه کرد.

جمعیت نمونه پژوهش

جمعیت نمونه در پژوهش حاضر عبارت اند از ۲۲۹ نفر از زنان خانه دار ۲۰ تا ۴۵ ساله و متأهل ساکن شهر شیراز که در زمان اجرای پژوهش فرزندان آنها در مدارس مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی یکی از مناطق چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز مشغول به تحصیل بودند.

روش نمونه گیری

به دلیل خصوصیت جغرافیایی شهر شیراز و نحوه پراکنش قشرهای اجتماعی مختلف در این شهر، برای نمونه گیری به جای مناطق شهرداری از مناطق چهار گانه آموزش و پرورش استفاده شد. نمونه گیری در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله اول با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای به انتخاب مدارس، پرداخته شد. در مرحله دوم بعد از کسب مجوز از اداره آموزش و پرورش هر منطقه، با مراجعه به مدارس، مادرانی که شرایط ورود به مطالعه را داشتند یعنی زنان خانه دار و متأهل ۲۰ تا ۴۵ ساله ای که یکی از فرزندانشان در مدارس مناطق چهارگانه آموزش و پرورش محصل بودند انتخاب شدند. لذا از نمونه در دسترس که با توجه به پیشنهاد مدیران مدارس انتخاب شد، استفاده گردید. نمونه گیری در بهمن و اسفند ماه سال ۱۳۸۵ در شهر شیراز انجام گرفت.

حجم نمونه

در این پژوهش چون از شیوع میزان توانمندی اطلاعی در دست نبود، برای برآورد حجم نمونه از فرمول زیر استفاده گردید.

$$N = \sigma^2 \cdot Z^2 / d^2$$

حجم برآورد شده معادل ۵۴۳ نفر شد، اما به دلیل کمبود وقت و نزدیک شدن به تعطیلات مدارس و مهم تر از همه به اشباع رسیدن پرسشنامه ها و نیز با توجه به نوع مطالعه و ابزار جمع آوری اطلاعات، به نمونه های در دسترس (۲۲۹ نفر از زنان خانه دار و متأهل ساکن شهر شیراز که یک فرزند محصل داشتند) برای پاسخ دادن به سؤالات مراجعه شد

روش جمع آوری اطلاعات

روش جمع آوری داده ها کمی - کیفی است، یعنی از مصاحبه شخصی برای پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه استفاده شده است، به این صورت که پژوهشگر بعد از هماهنگی مدارس با زنان خانه داری که به دعوت پژوهشگر پاسخ مثبت دادند، طی مصاحبه ای ۴۵ دقیقه ای سؤالات پرسشنامه را تکمیل کرد.

ابزار جمع آوری اطلاعات

ابزار جمع آوری داده‌های این پژوهش پرسش‌نامه‌ای است که در مصاحبه حضوری با پاسخگویان تکمیل شده است. این پرسشنامه در دو قسمت تنظیم شده است. قسمت مربوط به شاخص های پندگانه عاملیت فردی زنان خانه دار و شامل ۱۲۰ پرسش است؛ قسمت دوم مربوط به شاخصهای اصلی توانمندسازی زنان در سطح خرد است.

بخش اول پرسشنامه شامل این پرسشهاست: دارایی های انسانی ۱۳ پرسش، دارایی های اطلاعاتی ۱۰ پرسش، دارایی های سازمانی ۶ پرسش، دارایی های مالی و رفاهی ۱۸ پرسش، دارایی های روانی ۲۰ پرسش، حوزه دولت/ زیر حوزه عدالت ۹ پرسش، زیر حوزه سیاست ۱۲ پرسش، زیرحوزه خدمات ۸ پرسش، حوزه بازار/ زیر حوزه پول ۶ پرسش، زیر حوزه کار ۳ پرسش، زیر حوزه کالا ۷ پرسش و حوزه جامعه/ زیرحوزه خانواده ۶ پرسش و زیرحوزه محله ۴ پرسش. سؤالات پرسشنامه به صورت باز و بسته طراحی شده است: برای سؤالات بسته، پاسخها در قالب فرم دو، سه، چهار و پنج گزینه ای لیکرت تنظیم شده است و در مورد سؤالات باز پاسخگو در قالب جمله به آنها پاسخ می دهد.

برای سنجش خودکارآمدی و عزت نفس پاسخگویان از آزمون ۵۷ سؤالی کوپر اسمیت^۱ و آزمون ۱۰ سؤالی خودکارآمدی^۲ شوارترز و شولز استفاده شد.

اعتبار و روایی ابزار پژوهش

برای بررسی روایی^۳ پرسشنامه سنجش میزان توانمندی زنان خانه دار بعد از اینکه شاخصهای توانمندی زنان خانه دار در شش زمینه اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خانوادگی / بین فردی، قانونی، سیاسی و روان‌شناختی از متون مربوط به توانمندسازی زنان استخراج و سؤالات مربوط به هر شاخص ساخته شد، استادان محترم راهنما، مشاور و چند استاد و پژوهشگر حوزه توانمندسازی پرسشنامه را بررسی و روایی آن را تأیید کردند. برای بررسی اعتبار^۴ پرسشنامه نیز، بعد از تأیید استادان مربوطه، ۳۰ نفر از زنان خانه دار و متأهل ۲۰ تا ۴۵ ساله شهر شیراز

-
1. The Cooper Smith Self-Esteem Inventory (CSEI)
 2. The General Self-Efficacy Scale (GSE)
 3. validity
 4. reliability

پرسشنامه را تکمیل کردند. سپس داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۳ تجزیه و تحلیل و میزان اعتبار کلی آن ۰/۸۴. برآورد شد که مورد تأیید است.

در آزمون خودکارآمدی برای نمونه‌هایی از ۲۳ کشور، ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۶ تا ۰/۹۰ متغیر بوده است که البته بیشتر آنها بالای ۰/۸۰ است. روایی آزمون نیز در این مطالعات تأیید شده است. ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده در پایلوت این پژوهش نیز برابر با ۰/۹۳ است.

کوپراسمیت در سال ۱۹۶۷ با اجرای آزمون برای ۵۰ نفر از دانش آموزان، اعتبار ۰/۸۸ را به دست آورد. در تهران نیز در تحقیقی که روی ۲۳۰ نفر در ۱۳۷۰ انجام شد، میانگین به دست آمده ۲۵/۴ است. در این تحقیق نیز ضریب آلفای کرونباخ در مرحله پایلوت ۰/۸۰ بود که درجه بالای اعتبار آزمون را نشان می دهد.

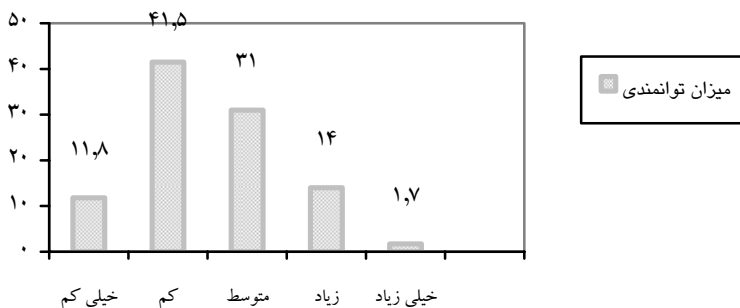
روش تجزیه و تحلیل داده ها

پس از جمع آوری داده های مورد نیاز، با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمونهای تهیه شده در نرم افزار SPSS برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است.

به دلیل باز بودن ۳۲ مورد از سؤالات پرسشنامه، وارد کردن آنها به نرم افزار SPSS نیازمند کدگذاری بود. کدگذاری سؤالات باز در سه مرحله انجام گرفت. در مرحله اول با انتخاب تصادفی تعدادی از پرسشنامه ها (۳۰ مورد) پاسخهای مربوط به هر سؤال باز کدبندی شد. در مرحله دوم، پاسخهایی که مشابه بودند با یک کد مشابه مشخص شدند و در مرحله سوم تعداد مقوله ها کمتر و کدهای ترکیبی برای برخی از سؤالات در نظر گرفته شد.

استادان متخصص در زمینه توانمندسازی متغیرهایی را که با استفاده از سؤالات پرسشنامه سنجیده می شدند و در ۱۴ قسمت تدوین شده بودند، ارزش گذاری کردند. بعد از ارزش گذاری، کدها تبدیل به نمره شدند، به این صورت که کد پاسخگو در هر سؤال بر تعداد گویه های آن سؤال تقسیم شد و سپس در وزن گویه که بر عدد ۱۰ تقسیم شده بود ضرب گردید. سپس نمره هر آزمودنی در ۱۴ زمینه برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش در سطح فاصله ای قرار داشتند، برای بررسی میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر تعیین و پیش بینی متغیر وابسته، از تحلیل چند متغیره استفاده شد. برای آزمون فرضیه ها نیز از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده گردید.

توصیف داده ها و شرح یافته ها



نمودار ۱: توزیع فراوانی زنان خانه دار برحسب میزان توانمندی

همانگونه که نمودار ۱ نشان می دهد ۱۱/۸ درصد پاسخگویان ناتوان هستند، ۴۱/۵ درصد کمی توانمندند، ۳۱/۰ درصد نسبتاً توانمند هستند، ۱۴ درصد توانمندند و ۱/۷ درصد کاملاً توانمندند. ملاحظه می شود که میزان توانمندی زنان خانه دار در سطح پایینی قرار دارد.

نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

با توجه به سطح سنجش هر یک از متغیرها و به کارگیری آماره های مناسب، فرضیه های تحقیق آزموده شد و نتایج زیر به دست آمد.

- بین سرمایه انسانی و میزان توانمندی، همبستگی معنادار آماری وجود ندارد. ($r=0/086$ ، $p>0/01$).
- بین سرمایه اطلاعاتی و میزان توانمندی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی مثبت و معنادار آماری مشاهده شده است ($r=0/301$ ، $p<0/01$).
- بین سرمایه سازمانی و میزان توانمندی رابطه معنادار آماری وجود ندارد ($r=0/123$ ، $p>0/01$).
- بین سرمایه رفاهی و مادی و میزان توانمندی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی مثبت و معنادار آماری مشاهده شده است ($r=0/275$ ، $p<0/01$).
- بین سرمایه روانی و میزان توانمندی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی قوی، مثبت و

معنادار آماری مشاهده شد ($t=0/802$, $p<0/01$).

- بین دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه دولت و میزان توانمندی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی متوسط، مثبت و معنادار آماری مشاهده شده است ($t=0/581$, $p<0/01$).
- بین دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه بازار و میزان توانمندی، همبستگی ضعیف، مثبت و از لحاظ آماری معنادار وجود دارد ($t=0/230$, $p<0/01$).
- بین دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه جامعه و میزان توانمندی، همبستگی متوسط، مثبت و از لحاظ آماری معنادار وجود دارد ($t=0/459$, $p<0/01$).

تحلیل رگرسیون

در روش گام به گام (stepwise)، میزان توانمندی زنان خانه دار به عنوان متغیر وابسته و هشت متغیر سرمایه انسانی، سرمایه اطلاعاتی، سرمایه سازمانی، سرمایه مادی و رفاهی، سرمایه روانی، دسترسی، مشارکت و کنترل در حوزه دولت، بازار و جامعه به عنوان متغیرهای مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که در ادامه به شرح آنها پرداخته شده است.

جدول ۱: خلاصه الگو

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف استاندارد
	R	R ²	R ² _{Ad}	
۸	۰/۹۴۴	۰/۸۹۱	۰/۸۸۷	۰/۳۱۳۹۹

جدول ۱ نشان می‌دهد که براساس ضریب تعیین تعدیل شده ۸۸ درصد تغییرات متغیر وابسته، یعنی میزان توانمندی زنان خانه دار را هشت متغیر وارد شده در معادله تبیین می‌کنند.

جدول ۲- ANOVA

الگو	مجموع	درجه	میانگین	کمیت F	سطح
	مربعات	آزادی	مربعات		معنادار بودن
۸ رگرسیون	۱۷/۴۲۹	۸	۲۲/۱۷۹	۲۲۴/۹۶۵	۰/۰۰۰
اقیمانده	۲۱/۶۸۹	۲۲۰	۰/۰۹۹		
جمع	۱۹۹/۱۱۸	۲۲۸			

طبق جدول ۲ در الگوی شماره ۸ میزان کمیت F در سطح ۹۹ درصد ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) معنی دار شده است که حاکی از معنی دار بودن رگرسیون است.

معادله رگرسیونی را بر اساس ضریب استاندارد شده Beta می توان این گونه نوشت:

(بازار) (۰/۱۵۹) + (دولت) (۰/۳۲۰) + (سرمایه روانی) (۰/۴۵۸) + (سرمایه مادی و رفاهی) (۰/۱۱۷) + (سرمایه اجتماعی) (۰/۱۰۴) + (سرمایه سازمانی) (۰/۰۷۹) + (انسانی) (۰/۰۸۵) + (سرمایه سازمانی) (۰/۰۷۱) = میزان توانمندی زنان خانه دار

جمع بندی و تفسیر یافته ها

سال هاست که موضوع توانمندسازی به ویژه توانمندسازی زنان، به عنوان یک مفهوم وارد فعالیتهای توسعه ای کشور شده است. تعاریف متعددی برای این واژه در زمینه های مختلف و توسط افراد متفاوت مطرح شده است. در پژوهش حاضر سعی بر این بود که با تکیه بر تعریف جامعی از توانمندسازی و استخراج شاخص های مناسب، میزان توانمندی زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور ارزیابی شود. بنابراین، پس از مطالعه متون مربوط به توانمندسازی به طور عام و توانمندسازی زنان به طور خاص، از الگوی اندازه گیری توانمندی که السوپ و هینسون تدوین کرده اند استفاده شد. در این الگو عاملیت و شرایط اجتماعی دو عامل تأثیرگذار و تعیین کننده توانمندی در نظر گرفته شده اند. در الگوی نظری طراحی شده برای پژوهش حاضر، عاملیت مساوی با منابع قدرت و شرایط اجتماعی برابر با حوزه های تجلی قدرت تعریف شدند، به این معنی که یک زن خانه دار هر چه بیشتر از منابع انسانی، اطلاعاتی، سازمانی، مادی و رفاهی، روانی، دسترسی، کنترل و مشارکت در حوزه های دولت، بازار و جامعه برخوردار باشد، توانمندی بیشتری دارد. در نوشته های مطالعاتی مربوط به توانمندسازی تمایل گسترده ای به صحبت در مورد «دسترسی به منابع» به شیوه ای کلی وجود دارد که شاید نشان دهنده وجود رابطه بین زنان و منابعی باشد که به طور خودکار انتخاب های ممکن را مشخص می کنند. در واقع منابع، متفاوت از انتخاب ها هستند، مقیاسی بالقوه به جای یک انتخاب واقعی. چگونه می توان تغییرات ایجاد شده در منابع در دسترس زنان را به تغییراتی که در تصمیمات آنها رخ می دهد نسبت داد، و آنها را در شرایطی که سایر جنبه های اتخاذ تصمیم هم حائز اهمیت اند.

«اطلاعات، قدرت است». شهروندان آگاه، برای منتفع شدن از فرصتها و دسترسی به خدمات، تجربه کردن حقوقشان، مذاکره و گفتگو، پاسخگو نگهداشتن کنشگران دولتی و غیر دولتی مجهزتر هستند. بدون اطلاعاتی که مربوط و به موقع باشد و در شکل های قابل فهم مطرح

شود، اقدام مؤثر برای زنان و دیگر اقشار محروم جامعه، غیرممکن است. رسانه‌های مختلف مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون و اینترنت، می‌توانند به زبان محلی هر ناحیه آگاهی‌رسانی کنند و افراد را از حقوق و منافع خود آگاه نمایند و محیطی توانمندکننده برای پیدایش اقدام شهروندان آگاه فراهم سازند. بنابراین رسانه‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در فراهم کردن زمینه توانمندی زنان و کل جامعه داشته باشند.

زنان در تعاملات چهره به چهره خود با کسانی مواجه می‌شوند که در وضعیت و شرایطی مشابه با خود آنها قرار ندارند. به عنوان مثال، زنان خانه‌دار ساعات متمادی از زندگی روزانه خود را به تنهایی در خانه می‌گذرانند و به امور خانه‌داری می‌پردازند، بدون اینکه با هم‌تایان خود تعاملات چهره به چهره داشته باشند. در محیط خانه، تعاملات آنها یا با خردسالان است یا با بزرگسالانی که تجارب زندگی شان غیر از تجارب خانم‌های خانه‌دار است. هرگاه زنان با یکدیگر درجایی جمع شوند، می‌توانند با اشخاصی که دارای وضعیتی مشابه با خودشان هستند تعاملات چهره به چهره داشته باشند و تجربیات خود را در اختیار آنها قرار دهند. اصطلاح قدیمی پول قدرت است، گویای این مطلب است که سرمایه مادی و رفاهی می‌تواند درجه بالایی از توانمندی را به همراه داشته باشد. در تحقیقات موجود در زمینه توانمندسازی، مشارکت اقتصادی زنان به عنوان یک عامل قادر ساز مطرح شده است و برای پیش‌بینی نتایج دیگری مانند کنترل بر تصمیمات مهم و حتی نتایج تصمیماتی مانند بعد خانواده یا پیشگیری از بارداری به کار می‌رود. اما در زمینه‌های دیگر، مشارکت اقتصادی زنان دقیقاً به عنوان یکی از اشکال عاملیت یا حتی یک دستاورد مطرح شده است. به طورمشابه، دارایی‌های شخصی می‌توانند به عنوان منابع توانمندسازی به کار روند اما همچنین می‌توانند شواهدی دال بر دستیابی به توانمندی باشند. پژوهشگران، به نابرابری بین انتخاب و قدرت اشاره کرده‌اند، چه به صورت عاملی که زنان را به عنوان گروه وابسته، از انتخاب و تصمیم‌گیری بازمی‌دارد، چه به صورت اعمال تبعیض فعالانه مردان. با وجود این، انطباق دادن تساوی قدرت و حق انتخاب با الگوهای نابرابری وابسته به جنس، وقتی که این الگوها انتخاب خود زنان باشد، کار دشواری است. این مشکل به رسوم وابسته به جنس و سلامت برمی‌گردد که به زنان توصیه می‌کند برخی رفتارها را بپذیرند و موقعیت اجتماعی خودشان را به عنوان فردی که دارای ارزش کمتری است، درونی کنند. چنین رفتارهایی می‌توانند تأثیر زبان بازی بر سلامت خود این افراد و سایر زنان خانواده داشته باشند. پذیرش نقش ثانویه در دستیابی به منابع موجود در خانواده، عدم مخالفت زنان با

خشونتگی که همسران اعمال می کنند، تمایل آنها به فرزند آوری تنها به دلیل اینکه خودشان و همسرانشان فرزند پسر داشته باشند بدون توجه به آسیبی به سلامت و حیات آنها می زند؛ همگی مثالهایی از رفتارهای زنانه است که برای وضعیت سلامتی خودشان اهمیت کمی قائل می شوند (ملهورترا^۱، ۲۰۰۲: ۳۰). کبیر (۲۰۰۱) در تعریف توانمندی یک مرحله از سایر نظریه پردازان جلوتر می رود و فرایند توانمندسازی را تفکر خارج از نظام و به چالش طلبیدن شرایط موجود تعریف می کند. بنابراین تعریف، زنانه بیشترین میزان توانمندی را دارند که بتوانند انتخابهایشان را هر چند که با هنجارهای موجود مطابقت نداشته باشد دنبال کنند و بدین وسیله شرایط موجود را به چالش بطلبند. حضور همیشگی خودکارآمدی و عزت نفس در تعاریف توانمندسازی، یکی از عوامل مرتبط با مفهوم عاملیت انسانی است که در تحقیق دکتر شادی طلب (۱۳۸۲) به آن اشاره شده و ججی بوی (۱۹۹۷) نیز در تعریف خود از توانمندسازی به آن اشاره کرده است. اما در بیشتر بحثها، منابع به خودی خود به عنوان توانمندی بیان نشده اند، بلکه به عنوان تسهیل گر (کاتالیزور) توانمندسازی یا شرایطی که در آن، توانمندسازی احتمالاً رخ می دهد در نظر گرفته شده اند.

در زمینه های سیاسی و ارزیابی، ممکن است در نظر گرفتن منابع به عنوان عوامل تواناساز^۲ مفید باشد؛ منابع، به عنوان درون دادهای بحرانی بالقوه برای تسریع کردن فرایند توانمندسازی محسوب می شوند نه یک قسمت از خود توانمندسازی و در حقیقت همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، بسیاری از متغیرهایی که به طور مرسوم به عنوان شاخص های توانمندسازی به کار رفته اند، مانند تحصیلات و اشتغال بهتر است عوامل قادرساز یا منابع توانمندسازی توصیف شوند (کبیر، ۲۰۰۰ a). در واقع مجموعه این منابع ما را به مفهوم عاملیت می رساند. عاملیت، قلب بسیاری از مفهوم سازی های توانمندسازی است. عاملیت انسانی در توصیف سن^۳ (۱۹۹۹) از توسعه، به عنوان فرایند رفع انواع مختلف «اسارتهایی»^۴ که انتخاب و عاملیت فردی را محدود می کنند، مفهوم اساسی و مهمی است. مقاله کبیر (۲۰۰۱) در مورد توانمندسازی زنان، برداشت «سن» از عاملیت و مفهوم سازی وی در مورد ارتباط بین عاملیت فردی و اقدام جمعی را مطرح می کند. در میان مفاهیم و اصطلاحات مختلفی که در نوشته های پژوهشی مربوط به توانمندسازی

-
1. Malhotra
 2. Enabling Factors
 3. A. Sen
 4. Unfreedoms

با آنها روبه رو شدیم، «عاملیت» شاید تنها مفهومی بود که اکثر نویسندگان به آن اشاره کرده بودند. عاملیت توانایی تنظیم کردن انتخابهای مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی است که نتایج مهم زندگی را تحت تأثیر قرار می دهد. در مجموع، از بحث منابع می توان این گونه نتیجه گیری کرد که بدون توانایی فردی یا جمعی زنان برای شناختن و استفاده از منابع به خواست خودشان، منابع نمی توانند باعث توانمندسازی شوند (کبیر، ۲۰۰۰a).

منابع فارسی

- امیدی، را؛ پشمی، ر؛ افقری، ا. (۱۳۸۳). گزارش طرح توانمندسازی بانوان با تکیه بر برنامه داوطلبین بهداشت. وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان. معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی.
- آبوت، پ؛ والس، ک. (۱۳۸۰). جامعه شناسی زنان. ترجمه: منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- بالان، ا. (۱۳۸۳). توانمندسازی زنان صندوق جمعیت ملل متحد. نشریه جهاد ۲۶۱.
- پورگیو، ف. (۱۳۸۰). بررسی توانمندسازی زنان در ایران با تأکید بر رسانه ها و کتابهای درسی. مجموعه مقالات اولین همایش توانمندسازی زنان شهریور ۱۳۷۹. تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری پروژه توانمندی.
- عربی، ف. (۱۳۸۱). نقش زنان متخصص در اجتماع. مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی زنان. تهران: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری پروژه توانمندی. ۲۳۰-۲۲۱.
- کار مشترک دفتر امور زنان ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل. (۱۳۷۲). نقش زنان در توسعه. تهران: انتشارات روشنگران.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۸۳. جمعیت و نفوس. سازمان مدیریت و برنامه ریزی تهران.
- مطیع، ن. (۱۳۷۶). زنان خانه دار نگران سالهای پیری. زنان، شماره ۳۶. ۳۸-۳۴.

منابع انگلیسی

- Alsop, R. & Heinsohn, N. (2005). Measuring Empowerment in Practice: 'Structuring Analysis and Framing Indicators'. World Bank Policy Research Working Paper 3510.

- Batliwala, S. (1994). **The meaning of women's empowerment: New concepts from action.** pp.127-138 in Population Policies Reconsidered: Health, Empowerment and Rights. G. Sen, A. Germain and L.C. Chen, Eds. Cambridge: Harward University Press.
- Kabeer, N. (2000). **Resources, Agency, and Achievements: Reflection on the Measurement of Women's Empowerment.** Uppsala University, Sweden in cooperation whit Sida.
- Malhotra, A. & Ruth, S. and Boender, C. (2002). **Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development.** Background paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives.
- Menon, L. (2003). **Organization Strategies in Women's Health: an Information and Action Hand Book.** Manila: Isis International, 2003. 142 pp.
- Mosedale, S. (2003). **Towards a Framework For Assessing Empowerment.** Paper Prepared For the International Conference, New Directions in Impact Assessment For Development: Methods and Practice. MANCHESTER UK.
- Stromquist, N. P. (1995). **The Theoretical and Practical Bases for Empowerment. IN Women, Education and Empowerment: Pathways Towards Autonomy.** Carolyn Model- Anonuevo, ed. Report of the International Seminar held at UIE, January 27-February 2.1993, Hamburg, Germany. Paris: UNESCO.
- Ugbomeh, M. M. G. (2001) **Empowerment Women in Agricultural Education for Sustainable rural Development** vol: 36 No.4 pp: 289-302.